شفاعت

در قرآن و حدیث

محمود سعدی



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

شفاعت در قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسي ملي : ايران۸۲-۸۲۹ ۱۰
سرشناسه : سعدي، محمود
عنوان و نام پديدآور : شفاعت در قرآن و حديث/ سعدي، محمود
منشا مقاله : ، پاسدار اسلام، ش ۲۵۷، (ارديبهشت ۱۳۸۲): ص ۲۶ - ۲۹.
توصيفگر : قرآن
توصيفگر : احاديث
توصيفگر : شفاعت

مقدمه

يكي از مزايايي كه خداي متعال به مؤمنان، اختصاص داده اين است كه اگر مؤمن، ايمان خودش را تا هنگام مرگ حفظ كند كه باعث سلب توفيق و سوء عقاب و سرانجام، شك و ترديد يا انكار و جحود نشود، و خلاصه در يك جمله «اگر با ايمان از دار دنيا برود» به عذاب ابدي مبتلا نخواهد شد و جهنم برايش ابدي نخواهد بود و گناهان كوچكش به واسطه اجتناب و دوري از گناهان كبيره، بخشوده شده و گناهان بزرگش به وسيله توبه كامل و مورد قبول پروردگارش، آمرزيده مي‌شود، و اگر موفق به چنين توبه‌اي نشد، تحمل گرفتاري‌ها و مصائب دنيا بار گناهانش را سبك مي‌كند و سختي‌هاي برزخ و مواقف آغازين رستاخيز ناخالصي هايش را مي‌زدايد و اگر باز هم از آلودگي‌هاي گناهان پاك نشد به وسيله شفاعت ـ كه مظهر تجلي بزرگ‌ترين و فراگيرترين رحمت الهي در اولياء خدا به ويژه رسول اكرم و اهل بيت كرامش (عليهم الصلوة والسلام) مي‌باشد ـ از عذاب دوزخ نجات خواهد يافت. [1] بر حسب روايات فراوان «مقام محمود» كه در قرآن كريم [2] به رسول اكرم(ص) وعده داده شده همين مقام شفاعت است، و نيز آيه شريفه «و لسوف يعطيك ربّك فترضي؛ [3] و همانا پروردگارت «آنقدر» به تو عطا خواهد كرد كه خشنود شوي.» اشاره به آمرزش الهي است كه به واسطه شفاعت آن حضرت شامل حال كساني كه استحقاق دارند مي‌شود. بنابراين، بزرگترين و نهايي‌ترين اميد مؤمنان گنه كار، شفاعت است، ولي در عين حال نبايد از «مكر الهي» ايمن شوند و بايد هميشه بيمناك باشند كه مبادا كاري از آنها سر زده باشد يا سر بزند كه موجب سوء عاقبت و سلب ايمان، در هنگام مرگ گردد و مبادا علاقه به امور دنيوي به حدّي در دلش رسوخ يابد كه «العياذ بالله» با بغض خداي متعال از اين جهان برود بدان جهت كه مي‌بيند اوست كه به وسيله مرگ، بين او و محبوب‌ها و معشوق‌ها جدايي مي‌افكند.

مفهوم شفاعت

اشاره

شفاعت از ماده «شفع» است كه در لغت به معناي «جفت شدن با چيزي» است، و اصطلاحا به معناي حائل شدن براي رفع ضرر از كسي و يا رساندن منفعتي به اوست و در عبارت ساده‌تر و در محاورات عرفي بدين معنا به كار مي‌رود كه شخص آبرومندي از بزرگي بخواهد كه از مجرمي بگذرد يا بر پاداش خدمتگزاري بيفزايد. البته در اين وساطت براي دفع ضرر از كسي بايد سه طرف وجود داشته باشند: الف ـ شفاعت، ب ـ شفاعت شونده، جـشفاعت كننده در اصطلاح شرعي و مذهبي شفاعت درآن جا مطرح مي‌شود كه شخصي در نزد خداوند براي ديگري طلب مغفرت و آمرزش نمايد و يا بخواهد عقابي كه در اثر گناه متوجه نفس گنهكار شده از او برداشته شود و يا تخفيف يابد. در اين حال، شخص گنهكار، شفاعت شونده و ذات مقدس پروردگار پذيرنده شفاعت خواهد بود. شفاعت به معناي مذكور از مسلّمات دين مبين اسلام به شمار مي‌رود و در اين زمينه علاوه بر آيات متعدد قرآني، روايات فراواني از طريق شيعه و سنّي از رسول‌اكرم(ص) نقل گرديده است. شايد به جرأت بتوان گفت كه از همه ائمه معصومين در زمينه شفاعت روايت داريم و اين روايات هرگونه ابهام و شك و ترديدي را در زمينه شفاعت از بين مي‌برد و موجبات يقين را براي حقيقت جويان با انصاف فراهم مي‌سازد. در موارد متعارف علت اين كه كسي شفاعت شفيعي را مي‌پذيرد اين است كه مي‌ترسد اگر نپذيرد شفاعت كننده رنجيده مي‌شود و رنجش خاطر وي موجب محروميت از لذت مؤانست و خدمت و يا حتي موجب ضرري از ناحيه شفيع گردد. مشركاني كه آفريدگار جهان را داراي اوصاف انساني و از جمله نياز به انس با همسر و نديمان و كمك ياران و همكاران و يا ترس از انبازان و همتايان مي‌پنداشتند براي جلب توجه خداي بزرگ يا مصونيّت از خشم وي دست به دامن خدايان پنداري مي‌زدند و به پرستش فرشتگان و جنّيان و كرنش در برابر بت‌ها و تنديس‌ها پرداخته و مي‌گفتند: «هؤلاء شفعائنا عند الله؛ [4] اينان شفيعان ما نزد الله هستند» و نيز مي‌گفتند: «ما نعبدهم الاّ ليقربونا الي الله زُلفي؛ [5] اينان را پرستش نمي‌كنيم؛ جز به اين منظور كه قرب و منزلتي براي ما نزد الله تحصيل كنند.» قرآن كريم نيز در مقام ردّ چنين پندارهاي جاهلانه‌اي مي‌فرمايد: «ليس لها من دون الله وليٌّ و لا شفيع؛ [6] ولي بايد توجه داشت كه نفي چنين شفيعان و چنين شفاعتي به معناي نفي مطلق شفاعت نيست و در خود قرآن كريم آياتي داريم كه «شفاعت باذن الله» را اثبات و شرايط شفيعان و نيز شرايط كساني كه مشمول شفاعت واقع مي‌شوند را بيان فرموده است.

وانگهي پذيرفته شدن شفاعت شفيعان مأذون از طرف خداي متعال، به واسطه ترس يا نياز به ايشان نيست، بلكه راهي است كه خود او براي كساني كه كمترين لياقت دريافت رحمت ابدي را دارند گشوده و براي آن، شرايط و ضوابطي تعيين فرموده است. در حقيقت فرق بين اعتقاد به شفاعت صحيح و شفاعت شرك‌آميز، همان فرق بين اعتقاد به ولايت و تدبير استقلالي است كه در مباحث خداشناسي بيان مي‌شود. واژه شفاعت گاهي به معناي وسيع‌تري به كار مي‌رود و شامل ظهور هر تأثير خيري در انسان به وسيله ديگري مي‌شود و چنان كه پدر و مادر نسبت به فرزندان و گاهي بالعكس، يا آموزگاران و ارشادگران نسبت به شاگردانشان و حتي مؤذن نسبت به كساني كه با صداي اذان او به ياد نماز افتاده و به مسجد رفته‌اند شفاعت مي‌كنند، و در حقيقت، همان اثر خيري كه در دنيا داشته‌اند، به صورت شفاعت و دستگيري در قيامت ظاهر مي‌شود. نكته ديگر اين كه: استغفار براي گنهكاران در همين دنيا نيز نوعي شفاعت است و حتي دعا كردن براي ديگران و درخواست قضاي حوائجشان از خداي متعال نيز در حقيقت از قبيل «شفاعت عندالله» به شمار مي‌رود، زيرا همگي اينها وساطت نزد خداي متعال براي رساندن خيري به شخصي ديگر يا دفع شري از اوست. اينك به ذكر و ترجمه برخي از آيات و روايات كوتاه كه در اين زمينه وجود دارد مي‌پردازيم:

آيات

«مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِهِ؛ [7] كيست كه در نزد خداوند براي ديگران شفاعت كند مگر به اذن او؟» «مَا مِن شَفِيعٍ إِلاَّ مِن بَعْدِ إِذْنِهِ؛ [8] شفيعي نيست مگر پس از اذن او». «يَوْمَئِذٍ لا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلاّ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلا؛ [9] در آن روز (قيامت) شفاعت هيچ كس سودي نبخشد جز آن كس كه خداي رحمن به او رخصت شفاعت داده و سخنش مورد پسند او گرديده است.» «لا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلا مَنِ اتَّخَذَ عِند الرَّحْمَنِ عَهْدًا؛ [10] در قيامت هيچ كس مالك شفاعت نمي‌باشد مگر كسي كه [به پرستش حق] از خداي متعال عهد [نامه توحيد كامل] دريافته است». «وَلا يَشْفَعُونَ إِلاَّ لِمَنِ ارْتَضَي وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ؛ [11] و هرگز آن مقرّبان درگاه الهي از احدي جز آن كس كه خدا از او راضي است شفاعت نمي‌كنند و آنها دائما از خوف قهر خدا هراسانند.»

روایات

اشاره

همان طور كه گفته شد در زمينه شفاعت هم از طريق اهل سنّت و هم از طريق شيعه اخبار فراواني به دست ما رسيده است. نخست به ذكر چند روايت كه از طريق اهل سنّت از پيامبر اكرم(ص) رسيده است مي‌پردازيم و سپس اخبار شيعه را در زمينه شفاعت بررسي مي‌كنيم.

قال رسول الله(ص): «شفاعتي نائلة ان شاء الله من مات و لا يشرك بالله شيئا؛ از شفاعت من ـ اگر خداوند بخواهد ـ آن كس برخوردار خواهد شد كه بميرد در حالي كه هيچ گونه شائبه شركي نسبت به خداوند در دلش نباشد.» قال رسول الله(ص): «قوله تعالي: عسي ان يبعثك ربّك مقاما محمودا؛ [12] هو المقام الذي اشفع لامتي فيه؛ منظور از «مقام محمود» در آنجا كه خداوند مي‌فرمايد: «اميد است كه خداوند تو را براي مقام محمود برگزيند» مقامي است كه من در آن براي امتم شفاعت مي‌كنم». قال رسول الله(ص): «يشفع يوم القيامة الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء؛ در آن روز نخست انبياء، پس از آن علما و سپس شهداء، گنهكاران را شفاعت مي‌كنند».

بحارالانوار، ج8، ص29 ـ 63. قال رسول الله(ص): «ثلاثة يشفعون الي الله فيشّفعون: الانبياء، ثم العلماء ثم الشهداء؛ سه گروهند كه در نزد خداوند براي گنه‌كاران شفاعت مي‌كنند و شفاعتشان مورد قبول واقع مي‌شود: نخست انبيا، سپس علما، پس از آن شهداء». [13] . قال رسول الله(ص): «انما شفاعتي لاهل الكبائر من امتي؛ شفاعت من فقط براي كساني از امتم مي‌باشد كه مرتكب گناهان كبيره شده‌اند.» قال اميرالمؤمنين(ع): «لنا شفاعة و لاهل مودّتنا شفاعة؛ اميرالمؤمنين (در ضمن حديثي) فرمودند: براي ما و نيز براي اهل مودّت و دوستي ما حق شفاعت وجود دارد.» قال الصادق(ع): «من انكر ثلاثة اشياء فليس من شيعتنا، المعراج والمسألة في القبر والشفاعة؛ امام صادق(ع) فرمودند: هر كس منكر سه چيز شود از شيعيان ما محسوب نمي‌شود: معراج پيامبر، سؤال در قبر و مسئله شفاعت.» قال الصادق(ع): «نمجّد ربّنا، و نصلّي علي نبيّنا، و نشفع لشيعتنا فلا يردّنا ربّنا؛ امام صادق(ع) فرمود: ما پروردگارمان را تمجيد مي‌كنيم و بر پيامبرمان درود و سلام مي‌فرستيم، و براي شيعيانمان شفاعت مي‌كنيم، و خداوند نيز درخواست ما را ردّ نمي‌كند.» قال الرضا(ع): «من كذب بشفاعة رسول الله(ص) لم تنله؛ هر كس شفاعت رسول خدا(ص) را تكذيب نمايد مشمول آن نخواهد شد. با توجه به آيات متعدد قرآني و روايات فراواني كه از شيعه و اهل سنت در زمينه شفاعت وجود دارد، انكار و تشكيك در آن هرگز براي اهل تحقيق و انصاف ممكن نيست.

جمع بندي روايات در باب شفاعت

آن چه از روايات در اين جا ذكر گرديد، تعداد كمي از روايات متعددي است كه در زمينه شفاعت به معناي گسترده آن به ما رسيده است. ما در اين جا براي رعايت اختصار از ذكر بقيه روايات اين باب كه در كتب احاديث آمده است خودداري مي‌كنيم و با جمع بندي جامع از مجموع روايات به دست آمده، معاني گوناگون و اصطلاح «شفاعت» در لسان شرع را نيز بيان مي‌كنيم: به طور كلي مي‌توان اين روايات را به سه دسته تقسيم كرد: دسته اوّل: رواياتي است كه شفاعت را به پيامبر اسلام(ص) و اهل بيت شان، مؤمنين و يا گروه‌هاي خاص ديگر مثل انبيا، علما و شهدا نسبت مي‌دهند و در بعضي از روايات آمده است كه همسايه نيز درباره همسايه شفاعت مي‌كند. [14] . دسته دوم: رواياتي است كه شفاعت را به بعضي از اعمال نسبت مي‌دهند. به عنوان مثال در روايتي شفاعت به «رحم و امانت‌داري» نسبت داده شده است. [15] . دسته سوم: رواياتي است كه مفادشان اين است كه همه مردم (ظاهرا بدون استثناء) در قيامت نيازمند شفاعت پيامبر اكرم(ص) مي‌باشند. [16] . اگر بخواهيم معناي عام و جامعي براي شفاعت ـ با توجه به گونه‌هاي مختلف آن ـ ارائه دهيم، بهتر اين است كه بگوييم: «شفاعت همان واسطه شدن در درگاه الهي است» و اين گروه‌ها، اشخاص و يا افعالي كه در روايات به عنوان «شفيع» مطرح مي‌شوند، هر يك به نوبه خود مجرايي از مجاري فيض باري تعالي هستند و وسائط و كانال‌هاي جريان لطف و رحمت خداوندي به شمار مي‌روند يعني همان گونه كه هر يك از فيوضات الهي سبب و مجراي خاصي دارد، فيض شفاعت الهي نيز سبب و كانال خاصي دارد.

توضيح مطلب

اگرچه سراسر وجود و هستي ما از آن خداست، و در هر لحظه غرق در درياي فيض الهي هستيم؛ امّا خداي تعالي فيوضات خاصي دارد كه شامل حال همه افراد نمي‌شود. بلكه متوقّف بر اعمال و افعال اختياري‌اي است كه هر كس موفق به انجام آن اعمال گردد از آن فيوضات بهره‌مند مي‌شود. هم چنين با توجه به تفاوت و اختلافي كه بين اين افعال ـ به عنوان اسباب تحصيل آن فيض‌ها ـ وجود دارد، خود اين فيض‌ها نيز مختلف مي‌شود. به گونه‌اي كه فيض خاصي كه از راه انجام يك فعل معيّن عايد انسان مي‌شود با فيض خاص عمل ديگر تفاوت دارد و اين دو قابل جانشيني و تبديل نيستند. به عنوان مثال فيض و ثوابي كه از راه «صدقه» به انسان مي‌رسد، ممكن نيست كه از راه ديگري كسب شود. و هر يك از اعمال نيك و صالح ديگر نيز سبب فيض خاصي هستند كه اين فيض‌هاي خاص جز از راه انجام فعل اختياري خاص خودشان حاصل نمي‌شود. براين اساس مي‌توان گفت حتي ملائكه الهي نيز كه موجوداتي تام التجرد بوده و جميع كمالات ممكنه نوع خود را بالفعل داراست از آن جا كه در كارهاي خود مختار نيستند، نمي‌توانند لذّت خاصي را كه از راه انجام يك فعل اختياري براي ما قابل درك است ادراك كنند. هدف از اين توضيحات اين است كه بگوييم: شفاعت نيز همچون ساير فيوضات حق تعالي سبب و مجراي خاصي دارد، اگر اين سبب فراهم نشود اين فيض هرگز به كسي نخواهد رسيد، و اين اسباب نيز هم‌چون ساير اسبابِ فيض‌هاي الهي جز از راه افعال اختياري قابل تحصيل نيست.

پاسخ به دو سؤال

حال با توجه به مطالب مذكور پاسخ دو شبهه از شبهاتي كه در زمينه شفاعت مطرح شده است روشن مي‌شود. از آن جا كه پاسخ اين دو شبهه ارتباط مستقيم با مطالب مذكور دارد، لذا اين دو شبهه را در اين جا مطرح كرده و پاسخ مي‌دهيم و پاسخ شبهات ديگر را در جاي خود پاسخ مي‌دهيم.
سؤال اول: آيا شفاعت به معناي تحت تأثير قرار گرفتن خداوند در برابر ديگري ـ يعني شفيع ـ نيست؟ چرا كه اگر بگوييم در مسأله شفاعت مؤثر حقيقي تنها و تنها خداست، بنابراين درخواست شفيع هيچ اثري نداشته و شفاعت بي‌معناست؛ و اگر بگوييم ديگري نيز در افاضه اين فيض الهي از ناحيه خداوند مؤثر است، مستلزم تأثر و انفعال خداوند است! سؤال دوم: آيا شفاعت كردن شفيع براي رفع عقاب از كسي است كه مستحق عقاب است و آيا پذيرش اين شفاعت از جانب خداوند به اين معنا نيست كه رحمت و لطف و مهرباني شفيع بيشتر و بالاتر از رحمت و لطف خداوند است؟ پاسخ سؤال اول: با توجه به اين كه گفتيم شفاعت نيز فيضي از فيوضات خداوندي است بنابراين روشن است كه منشأ اصلي و حقيقي اين فيض شفيع نيست، هرچند كه او تنها و تنها به عنوان كانال و فيض خاص الهي در رسيدن آن به انسان مدخليت دارد. يعني فيض شفاعت تنها و تنها از آن خداست؛ اما خود او كانال خاصي، مانند: پيامبران، ائمه، شهدا، علما و... را براي اين فيض قرار داده است كه اين فيض جز از اين مجاري قابل تحصيل نيست، بنابراين در عين حالي كه اين وسائط در شفاعت مؤثرند، هرگز اين مطلب به معناي متأثر شدن و انفعال پذيري خداوند نيست.
پاسخ سؤال دوم: از پاسخ سؤال قبلي پاسخ اين سؤال نيز روشن مي‌شود يعني وقتي روشن شد كه فيض و رحمت تنها از ناحيه خداست، و اين شفعا و وسائط تنها نقش مجرا و واسطه دارند؛ بنابراين هرگز چنين نيست كه رحمت و مهرباني شفيع بيشتر از خداوند باشد، بلكه اين رحمت بي‌منتهاي اوست كه باعث شده بابي به نام «شفاعت» به عنوان آخرين مرحله بهره مندي از فيض الهي گشوده گردد تا از اين طريق نيز افراد بيشتري مشمول فيض و رحمت او واقع شوند.

هرچند مسئله شفاعت از اصول مسلّم و قطعي اسلام است، اما تابع شرايط و مقتضيات خاص و ويژه‌اي است، كه از لابلاي مباحث گذشته تا حدودي مي‌توان اين شرايط را به دست آورد، اين شرايط را به صورت خلاصه ذكر مي‌كنيم: 1 ـ اذن الهي: چنان كه در بسياري از آيات قرآن كريم مشاهده كرديم، يكي از شرايط اساسي و اصلي شفاعت اين است كه به اذن الهي باشد. بنابراين چنين نيست كه هر كس بتواند در مورد هر كس كه بخواهد شفاعت كند: «رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرحْمَنِ لا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا». [17] . 2 ـ رضايت خدا نسبت به شفيع: علاوه بر اين كه اصل شفاعت بايستي با اذن الهي باشد، شخص شفيع نيز بايستي از كساني باشد كه خداوند شفاعت آنان را مي‌پذيرد. با توجه به اين شرايط نيز نمي‌توان از هر كسي توقع شفاعت داشت وهر كس نمي‌توانند مدّعي حق شفاعت شود. 3 ـ رضايت خدا نسبت به فرد مورد شفاعت: در مسئله شفاعت، رضايت خداوند نسبت به شفاعت شوندگان نيز شرط است. يعني چنين نيست كه فيض شفاعت بدون استثنا نصيب هر كس شود، بلكه ـ چنان كه اشاره نموديم ـ اسباب و ملاك خاصي دارد كه هر كس اين ملاك را تحصيل كرده باشد، مشمول شفاعت شفاعت كنندگان قرار مي‌گيرد و در غير اين صورت از اين فيض محروم خواهد بود. از آيات و روايات شفاعت مي‌توان بعضي از شرايط شفاعت شوندگان را كه موجب رضايت خداوند نسبت به شفاعت در حق آنان مي‌گردد به دست آورد، مانند شرائط «ايمان»، «اقامه نماز» «پرداخت زكات» و «اعتقاد به معاد» كه از آيات زير به دست مي‌آيد: «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءلُونَ - عَنِ الْمُجْرِمِينَ - مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ - قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ -وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ - وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ - وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ - حَتَّي أَتَانَا الْيَقِينُ - فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ؛ بهشتيان در بهشت از مجرمين سؤال مي‌كنند كه چه كرديد كه اينك گرفتار عذاب دوزخ شديد؟ دوزخيان پاسخ مي‌دهند، ما از نمازگزاران نبوديم، و با پرداخت زكات دستگيري از مسكينان نكرديم، و همواره عمر خويش را با اهل باطل به بطالت گذرانديم، و روز جزا و قيامت را دروغ مي‌پنداشتيم، تا اين كه ناگاه مرگ گريبان ما را گرفت و برايمان يقين حاصل شد. [اما اينان بايد بدانند كه]، با اين وضع، شفاعت شافعان در روز رستاخيز هرگز شامل حال آنها نمي‌شود. [18] . به طور كلي بايد سنخيّتي بين شفاعت‌كنندگان و شفاعت شوندگان وجود داشته باشد تا شفاعت مؤثر باشد، اما اگر زنگارهاي سياهي و پليدي و گناه آنقدر زياد باشد كه به طور كلي سنخيّت بين دو گروه از بين رفته باشد، شفاعت

هيچ اثري نخواهد داشت (بايد آهن باشد تا آهن ربا، جذب كند ولي اگر زنگار تمام روي آهن را بپوشاند، آهن‌ربا آن را جذب نخواهد كرد).

[1] عن النبي(ص): «ادّخرتُ شفاعتي لاهل الكبائر من امتي؛ شفاعتم را براي ارتكاب كنندگان گناهان كبيره از امتم ذخيره كردم». (بحارالانوار، ج8، ص37 ـ 40).
[2] بعضي از شب را بيدار و متهجد باش و نماز شب را به جاي آر، باشد كه خدايت تو را به مقام محمود مبعوث گرداند. (اسراء/79).
[3] سوره ضحي، آيه5.
[4] سوره يونس، آيه18.
[5] سوره زمر، آيه3.
[6] سوره انعام، آيه7.
[7] سوره بقره، آيه255.
[8] سوره يونس، آيه3.
[9] سوره طه، آيه109. [
[10] سوره مريم، آيه87.
[11] سوره انبياء، آيه28.
[12] سوره اسراء، آيه79.
[13] بحارالانوار، ج8.
[14] بحارالانوار، ج8، ص34 ـ 40، ح21، ص42، ح35.
[15] بحارالانوار، ج8، ص43، ح39.
[16] بحارالانوار، ج8، ص48، ح51، ص42، ح31، ص38، ح10.
[17] سوره نبأ، آيه37.
[18] سوره مدثر، آيات 48 ـ 40.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹